



63

Vol. 32
summer 2024
P.P: 11- 30

Research Paper

Received:
03 July 2023
Revised:
08 January 2024
Accepted:
06 July 2024
Published:
22 August 2024

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Research in Islamic Education Issues

Investigating the relationship between Future thinking and the abilities of moral judgment and self-control in first year of elementary schools

Ruhollah Dashti Esfahani¹ | Abotaleb Saadati Shamir² | Leila Kashani Vahid³
| Bita Nasrollahi⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.63.1.8

Abstract

The ability to imagine mental events and possible future events and predict situations and needs, which is known as future thinking, plays a vital role for complex cognitive activities such as; It has planning, regulation of emotions, self-control and moral judgment. Therefore, this research was conducted with the aim of determining the relationship between Future thinking skills and moral judgment and self-control in children. In this descriptive study, the statistical population was Children in the first year of elementary schools in the 4th education district of Isfahan in 1400-1401, 230 of whom were selected by random cluster sampling and were asked questionnaires of prospective thinking, perceived self-control, and moral judgment questionnaires. They answered Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient, multiple linear regression and independent t-test. The obtained results showed that the component of moral judgment as well as self-control with the future thinking questionnaire was at a significance level of $P < /01$ respectively with a correlation coefficient of 55% and 63%. It has a significant and positive relationship. Also, the regression results showed that moral judgment predicts 17% and self-control 21% of future thinking changes. Also, the t-test indicates a significant difference in the self-control component in both boys and girls.

Keywords: Future thinking, moral judgment, self-control, elementary schools.

1. PhD student in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran Email: seadatee@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Dashti Esfahani, R & Saadati Shamir, A & Kashani Vahid, L & Nasrollahi, B (2024). Identifying the main components and sub-components of the performance management model Faculty members of an organizational university, 32(63), 11-30.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

بحث العلاقة بين التفكير المستقبلي وقدرات الحكم الأخلاقي وضبط النفس لدى
تلاميذ السنة الأولى من المرحلة الابتدائية

روح اله دشتي اصفهاني^١ | ابوطالب سعادت شامير^٢ | اليا كاشاني وحيد^٣ | بيتا نصرالهي^٤

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.63.1.8

رقم

٦٣

المجلد ٣٢

الصيف ١٤٤٦

ورقة البحث

تاريخ الاستلام:
١٤٤٦ هـ / ٢٨ جمادى
تاريخ المراجعة:
١٤٤٥ هـ / ١ محرم ١٤٤٦
تاريخ القبول:
١٨ صفر ١٤٤٦ هـ

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



الملخص

إن القدرة على تخيل الأحداث العقلية والأحداث المستقبلية المحتملة والتنبؤ بالمواقف والاحتياجات، وهو ما يعرف بالتفكير المستقبلي، تلعب دوراً حيوياً في الأنشطة المعرفية المعقدة مثل؛ وفيه التخطيط وتنظيم العواطف وضبط النفس والحكم الأخلاقي. أجرى هذا البحث بهدف تحديد العلاقة بين مهارات التفكير الاستباقي والحكم الأخلاقي وضبط النفس لدى الأطفال. في هذه الدراسة الوصفية، كان السكان الإحصائيون هم الأطفال في السنة الأولى من المدرسة الابتدائية في المنطفة التعليمية الرابعة في أصفهان في عام ١٤٠٠-١٤٠١، وتم اختيار ٢٣٠ منهم عن طريق أخذ عينات عشوائية وطرح استبيانات حول التفكير المستقبلي والإدراك الذاتي. استبيانات التحكم والحكم أجابت الأخلاقية. وقد تم تحليل البيانات باستخدام معامل ارتباط بيرسون والانحدار الخطي المتعدد واختبار t المستقل. وأظهرت النتائج التي تم الحصول عليها وجود عنصر الحكم الأخلاقي وكذلك ضبط النفس مع استبانة التفكير الاستباقي في المستوى الأهمية ٠.١ / P < على التوالي وبمعامل ارتباط ٠.٥٥ و ٠.٦٣. وله علاقة معنوية وإيجابية، كما أظهرت نتائج الانحدار أن الحكم الأخلاقي يتنبأ بنسبة ١٧٪ وضبط النفس ٢١٪ من تغيرات التفكير الاستباقي. كما يشير اختبار (t) إلى وجود فروق ذات دلالة إحصائية في عنصر ضبط النفس لدى كل من الأولاد والبنات .

الكلمات الرئيسية: التفكير المستقبلي، الحكم الأخلاقي، ضبط النفس، المدارس الابتدائية.

١. طالب دكتوراه، قسم علم النفس، كلية الآداب والعلوم الإنسانية والاجتماعية، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة العلوم والبحوث، طهران، إيران.
 ٢. المؤلف المراسل: أستاذ مساعد، قسم علم النفس، كلية الآداب والعلوم الإنسانية والاجتماعية، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة العلوم والبحوث، طهران، إيران. Email: seadate@yahoo.com.
 ٣. أستاذ مساعد، قسم علم النفس، كلية الآداب والعلوم الإنسانية والاجتماعية، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة العلوم والبحوث، طهران، إيران.
 ٤. أستاذ مساعد، قسم علم النفس، كلية الآداب والعلوم الإنسانية والاجتماعية، جامعة آزاد الإسلامية، وحدة العلوم والبحوث، طهران، إيران.
- الاقتياس: أصفهاني، روح اله دشتي وسعداتي شامير، أبو طالب وكاشاني وحيد، ليلي ونصرالهي، بيتا (١٤٠٣)، تحقيق في العلاقة بين التفكير الاستشراقي وقدرات الحكم الأخلاقي وضبط النفس لدى الأطفال في السنة الأولى من التعليم الابتدائي. المدارس، بحوث في التربية والتربية الإسلامية، ٣٢(٦٣)، ٣٠-١١.
- DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.63.1.8>



المؤلفون

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



دانشگاه امام خمینی

شماره

۶۳

I

سال سی دوم

تابستان ۱۴۰۳

صص: ۳۰ - ۱۱

I

مقاله پژوهشی

I

تاریخ دریافت: ۱۴ تیر ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۸ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۶ تیر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۰۱ شهریور ۱۴۰۳

I

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

بررسی رابطه بین تفکر آینده نگر با توانایی های قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در کودکان دوره اول مدارس ابتدایی

روح اله دشتی اصفهانی^۱ | ابوطالب سعادت شامیر^۲ | لیلا کاشانی وحید^۳ | بیتا نصرالهی^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.63.1.8

چکیده

توانایی تصویرسازی ذهنی از حوادث و رویدادهای احتمالی آینده و پیش بینی موقعیت ها و نیازهای آن که به عنوان تفکر آینده نگر شناخته می شود نقش حیاتی برای فعالیت های شناختی پیچیده همچون؛ برنامه ریزی، تنظیم هیجانات، خودکنترلی و قضاوت اخلاقی دارد. این پژوهش با هدف تعیین ارتباط مهارت های تفکر آینده نگر با قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در کودکان انجام شد. در این مطالعه توصیفی، جامعه آماری، کودکان دوره اول ابتدایی مدارس ناحیه ۴ آموزش و پرورش اصفهان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند که ۲۳۰ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب و به پرسشنامه های تفکر آینده نگر، خودکنترلی ادراک شده و پرسشنامه قضاوت اخلاقی پاسخ دادند. داده ها با استفاده از آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه و آزمون t مستقل تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشان داد مولفه قضاوت اخلاقی و همچنین خودکنترلی با پرسشنامه تفکر آینده نگر در سطح معناداری $P < .01$ به ترتیب با ضریب همبستگی $.55$ و $.63$ دارای ارتباط معنادار و مثبت است همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که قضاوت اخلاقی 17 درصد و خودکنترلی 21 درصد تغییرات تفکر آینده نگر را پیش بینی می کند. همچنین آزمون t حاکی از تفاوت معنادار در مولفه خودکنترلی در دو جنس دختر و پسر می باشد.

کلیدواژه‌ها: تفکر آینده نگر، قضاوت اخلاقی؛ خودکنترلی؛ مدارس ابتدایی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. Email: seadatee@yahoo.com

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است.

استناد: اصفهانی، روح اله دشتی و سعادت شامیر، ابوطالب و کاشانی وحید، لیلا و نصرالهی، بیتا (۱۴۰۳)، بررسی رابطه بین تفکر آینده نگر با

توانایی های قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در کودکان دوره اول مدارس ابتدایی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۳)، ۳۰-۱۱.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.63.1.8>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

انسان در زندگی دائماً پیرامون موضوعات مختلف در حال تصمیم گیری و قضاوت است. گاه این تصمیم ها در حوزه مسائل و امور ساده و ابتدایی اند و گاه در امور پیچیده و دشوار؛ از جمله تصمیم گیری و قضاوت راجع به اموری که در آنها پای رفتار و عمل به صورت اخلاقی مطرح است؛ زیرا در اینجا است که فرد در جهت کسب منافع خود یا جامعه دچار وسوسه و تردید می شود. « اخلاق » بخش جدایی ناپذیر زندگی انسانی است، لذا افراد باید قدرت خود را با مهارت های اجتماعی ترکیب کنند تا بتوانند به اخلاق نیکو و حسن رفتار و همچنین « خودکنترلی » به هنگام مرادوات اجتماعی نائل شوند و به کمک آن، قوانین و درست و غلط های راهنمای رفتار بر اساس اصول مورد قبول اجتماع را بیاموزند (دوران و فتحی آشیانی، ۱۳۹۷). دستیابی به این مهم بدون آموزش و تمرین برای درک احساس دیگران و قرار دادن خود به جای آنها، میسر نمی گردد.

یکی از چالش های اصلی دوران کودکی قواعد اجتماعی محیط پیرامون کودک است. قواعد اخلاقی، که از انواع قواعد اجتماعی است، مشوق افراد برای انجام دادن اعمال خیر و ضامن درستکاری و مشخص کننده اعمال خوب از بد است. به طور مثال، مردم مجاز نیستند که همدیگر را بکشند، دروغ بگویند، یا اموال دیگری را بردارند. این قواعد در هر جامعه برای کنترل رفتارهای نادرست وجود دارد. به علاوه کودکان باید هم قواعد اخلاقی و هم قوانین اجتماعی ای را یاد بگیرند که شاید در موقعیت های مختلف تفاوت های بسیاری بین آنها وجود داشته باشد. قوانین اجتماعی اصولاً برای راهنمایی و تشخیص رفتارهای درست و غلط برای کودکان طراحی شده است. مطالعه اینکه کودکان چگونه این قوانین را بفهمند و اجرا کنند معمولاً با عنوان اخلاقی بودن یا رشد اخلاقی مطرح شده است. انسان با حس اخلاقی متولد می شود. این حس در خانواده ظاهر می شود، از معلمان الگو می گیرد، و از طریق اجتماع تغذیه می شود. در حقیقت، خانواده، مدرسه، و اجتماع قواعد اخلاقی را، که بر اساس اصول عدالت و در نظر گرفتن حقوق دیگران وضع شده است، آموزش می دهند؛ اما اینکه کودکان چطور میل درونی برای پیروی از قواعد اخلاقی را پیدا می کنند در طی مراحل رشد متفاوت است (ماسن و دیگران، ۱۹۹۳).

قضاوت اخلاقی به چگونگی نظر شخص دربارهٔ مقررات، آداب، رسوم، و هنجارهایی که مردم باید در تعامل با دیگران رعایت کنند و برداشت او از آنها اشاره دارد که با رشد فکری و به تبع آن رشد اخلاقی، همراه با افزایش سن در افراد تکامل می‌یابد. عامل مؤثر در رشد اخلاقی، رشد تفکر و میزان خردمندی است. چگونگی استدلال یا تفکر فرد دربارهٔ رفتارهایی که به امور اخلاقی مرتبط است و نیز میزان خردمندی فرد (یعنی نظام فلسفی و منطق و شیوهٔ تفکر حاکم بر ذهن) نقش تعیین‌کننده در واکنش وی به امور اخلاقی دارد. همچنین، توانایی شناختی و قصد و نیت و ذهنیات فرد نیز در چگونگی رفتار اخلاقی او تاثیر دارد (ساتراک، ۲۰۱۴).

انسان برای آنکه عاقلانه عمل کرده و درگیر قضاوت‌های اخلاقی غلط و عدم خودکنترلی نشود، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران، واکنش‌های آنها و همچنین نسبت به نیروهائی که خارج از کنترل آنهاست، آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. نکته بسیار مهم این است که این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می‌دهد. بدین ترتیب افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال وقوع را بفهمند، بلکه می‌کوشند اموری را که شاید اتفاق بیفتد، یا بالقوه امکان وقوع دارد و یا تحت شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با استفاده از این شناخت، موقعیت کنونی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال کرده و از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می‌گذرند. شناخت و تفکر دربارهٔ آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. "واکنش بدون تفکر به آینده امکان‌پذیر است، اما کنش امکان‌پذیر نیست، زیرا عمل نیاز به پیش‌بینی دارد" بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمانها، اهداف، مقاصد، چشم اندازها، امیدها، نگرانی‌ها، آرزوها) جزو دلایل اقدامات کنونی است (هاینز و بیسپ، ۲۰۱۶).

مبانی نظری

تفکر در مورد آینده، یکی از توانایی‌های شناختی انسان به‌ویژه در کودکان است که به تازگی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تفکر آینده‌نگر را توانایی تصویرسازی ذهنی از حوادث و رویدادهای احتمالی آینده یا توانایی فرد در تصویرسازی خلاقانه از احتمالات فرضی آینده می‌دانند (آرگمبو و همکاران، ۲۰۱۰). این توانایی همچنین به عنوان تصویرسازی وقایع احتمالی آینده تعریف شده است (آدیس و همکاران، ۲۰۰۸) که به فرد کمک می‌کند پیامدهای

احتمالی یک فعالیت را قبل از انجام آن در نظر بگیرد، فراتر از نیازهای فعلی قدم بردارد و با سهولت و اطمینان بیشتری به هدف خود دست یابد (سادندورف و کوربالیس، ۲۰۰۷). تفکر آینده نگر نقش حیاتی برای فعالیت های شناختی پیچیده همچون؛ برنامه ریزی، رسیدن به اهداف، حافظه آینده نگر، تصمیم گیری، تنظیم هیجانات، خودکنترلی و به تعویق انداختن نیاز (آرگمبو و همکاران، ۲۰۱۰) ایفا می کند.

رشد شناختی کودک به معنی رشد و پرورش فعالیت های شناختی مثل زبان، تفکر، استدلال و حافظه است. در واقع کودکان با دستکاری محیط، فعالانه به ساختن دانش می پردازند و به صورت مرحله ای رشد شناختی را تجربه می کنند (حسینی، ۱۳۹۸). در کودکان، توانایی تفکر آینده نگر به صورت ابتدایی در ۳ سالگی بروز پیدا می کند و دارای یک سیر تکاملی است که بین ۴ تا ۵ سالگی پیچیده می شود. برای مثال؛ کودکان ۳ ساله قادرند با استفاده از اصطلاحات زمانی همچون قبل و بعد در مورد گذشته و آینده صحبت کنند. همچنین آنها در ۴ سالگی تنها قادر به توصیف رویدادها در یک روز ویژه (برای مثال دیروز و فردا) هستند و توانایی برای برنامه ریزی و انتخاب کردن به منظور برآورده کردن نیازها در آینده در ۴ سالگی و در برخی موارد در ۵ سالگی بروز پیدا می کند (گرانث و سادندورف، ۲۰۱۱).

در خصوص عوامل موثر بر شکل گیری تفکر آینده نگر در کودکان، اتنس و انیل (۲۰۰۱) بیان می کنند که صحبت والدین با کودکان خود در مورد آینده می تواند در رشد و تحول تفکر آینده نگر موثر باشد. افزون بر این کودکان از طریق صحبت کردن با بزرگسالان دیگر نیز می توانند درک بهتری از آینده به دست آورند. همچنین احتمال دارد که تحول نظریه ذهن به رشد تفکر آینده نگر در کودکان نیز کمک کند (سادندورف، ۲۰۱۰). یکی دیگر از عوامل مهم و تاثیرگذار در این زمینه نقش زبان است تا جایی که اتنس و انیل (۲۰۰۱) بیان می کنند که زبان یک نقش اساسی و حتی ضروری در تحول تفکر آینده نگر دارد (اتنس و جکسون، ۲۰۰۹). بررسی پژوهش های انجام شده پیرامون تفکر آینده نگر موبد این موضوع است که تفکر آینده نگر با متغیرهای بسیاری در ارتباط بوده یا بر آن تاثیر می گذارد. در این راستا مشخص شده که تفکر آینده نگر با انعطاف پذیری رفتاری و تفکر خلاق، خودکنترلی در ارتباط است. در واقع نتایج پژوهشی نشان می دهد که تفکر آینده نگر) به خصوص تفکر در مورد آینده دور نسبت به

آینده نزدیک (تأثیر بیشتری بر تفکر خلاق دارد. در حدود ۳ سالگی، کودکان توانایی تفکر، برنامه ریزی و پیش بینی آینده را دارند و همچنین به یاد می آورند که اهداف آینده خود را انجام دهند (اتنس و انیل، ۲۰۰۱).

اگرچه کودکان در این سن کم با فکر و برنامه ریزی دقیق برای آینده دست و پنجه نرم می کنند در سن ۵ یا ۶ سالگی، این توانایی بسیار بهتر می شود (اتنس و ملترلف، ۲۰۰۵). به طور کلی، رشد توانایی های آینده محور کودکان با افزایش سن بهبود می یابد. با این حال، با توجه به اینکه شناخت آینده گرا، حوزه ها یا توانایی های مختلفی را در بر می گیرد، مسیر رشد هر نوع جهت گیری در آینده ممکن است اندکی متفاوت باشد.

اسپونار و همکاران (۲۰۱۴) تمایز بین چهار حالت تفکر آینده نگر را مطرح می کنند که بخش عمده ای از ادبیات شناخت آینده نگر را در بر می گیرد. این چهار حالت از تفکر آینده نگر شامل شبیه سازی (ساخت یک بازنمایی ذهنی دقیق از آینده)، پیش بینی (تخمین احتمال و یا واکنش فرد به یک نتیجه خاص در آینده)، قصد (عمل ذهنی تعیین هدف)، و برنامه ریزی (شناسایی و سازماندهی گام ها در جهت دستیابی به یک هدف) است.

شیوه های تفکر آینده نگر لزوماً متعادل با یکدیگر نیستند. در عوض، آنها در سطوح مختلف انتزاع و پیچیدگی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و بر یکدیگر بنا می شوند. به عنوان مثال، هنگام برنامه ریزی، افراد ممکن است از شبیه سازی ها و پیش بینی ها استفاده کنند و اهداف را بررسی و اصلاح کنند. با توجه به چنین احتمالاتی، تحقیقات در مورد این شیوه های مختلف تفکر آینده نگر مورد بحث کمی قرار گرفته است (روبین و یوماناز، ۲۰۱۴). پیش بینی می شود که یک چارچوب سازمانی برنامه های تحقیقاتی را تحریک کند تا هم ارتباطات و هم تمایزات را در میان شیوه های تفکر آینده در نظر بگیرند. از چهار حالت تفکر آینده که شناسایی شده است، تنها پیش بینی، قصد و برنامه ریزی ممکن است کاملاً آینده گرا در نظر گرفته شوند. شبیه سازی لزوماً به سمت آینده هدایت نمی شود اما ممکن است در خدمت تولید بازنمایی ذهنی از آینده های احتمالی باشد (شاکتر، ۲۰۱۲). این چهار حالت از تفکر آینده نگر، از شناخت اولیه از یک رویداد احتمالی، تا فرآیند دستیابی به یک هدف را پشتیبانی می کند. اسپونار بیان می کند که مفهوم آینده نگری و

ارتباط این چهار حالت تفکر آینده نگر با دو نوع حافظه رویدادی و معنایی که از اشکال متمایز تفکر آینده نگر استفاده می کنند، در مفهوم سازی تفکر آینده نگر نقش اساسی دارد.

جدول ۱. طبقه بندی شناخت آینده نگر (اسپونار و همکاران، ۲۰۱۴)

حافظه رویدادی	شبهه سازی	پیش بینی	هدف یا قصد	برنامه ریزی
	ساختن یک بازنمایی ذهنی از یک رویداد خاص در آینده.	برآورد احتمال و/ یا واکنش فرد به یک رویداد خاص در آینده.	تعیین هدف در رابطه با یک رویداد خاص در آینده.	سازماندهی مراحل مورد نیاز برای رسیدن به یک نتیجه خاص در آینده.
	ساختن یک بازنمایی ذهنی از یک وضعیت غیر خاص.	تخمین احتمال و/ یا واکنش فرد به یک وضعیت غیر مشخص در آینده.	تعیین یک هدف غیر اختصاصی در آینده.	سازماندهی مراحل مورد نیاز برای به وجود آمدن برخی وضعیت های غیر خاص در آینده.
	ساختن یک بازنمایی ذهنی از یک حالت کلی یا انتزاعی از جهان.	برآورد احتمال و/ یا واکنش فرد به وضعیت کلی یا انتزاعی آینده جهان.	تعیین یک هدف کلی یا انتزاعی، مانند هدف یک سازمان.	سازماندهی مراحل مورد نیاز برای به وجود آمدن یک وضعیت کلی یا انتزاعی جهان در آینده.
حافظه معنایی				

سازماندهی مراحل مورد نیاز برای رسیدن به یک نتیجه خاص در آینده. تعیین هدف در رابطه با یک رویداد خاص در آینده. برآورد احتمال و/ یا واکنش فرد به یک رویداد خاص در آینده. ساختن یک بازنمایی ذهنی از یک رویداد خاص در آینده. سازماندهی مراحل مورد نیاز برای به وجود آمدن برخی وضعیت های غیر خاص در آینده. تعیین یک هدف غیر اختصاصی در آینده. تخمین احتمال و/ یا واکنش فرد به یک وضعیت غیر مشخص در آینده. ساختن یک بازنمایی ذهنی از یک وضعیت غیر خاص. سازماندهی مراحل مورد نیاز برای به وجود آمدن یک وضعیت کلی یا انتزاعی جهان در آینده. تعیین یک هدف کلی یا انتزاعی، مانند هدف یک سازمان. برآورد احتمال و/ یا واکنش فرد به وضعیت کلی یا انتزاعی آینده جهان. ساختن یک بازنمایی ذهنی از یک حالت کلی یا انتزاعی از جهان.

اسپونار و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند اصطلاح حافظه رویدادی به شبیه‌سازی‌ها، پیش‌بینی‌ها، مقاصد یا برنامه‌هایی در رابطه با رویدادهای خاص زندگی که ممکن است در آینده اتفاق بیفتد (مثلاً فکر کردن به یک رویداد که در آخر هفته رخ خواهد داد) اشاره دارد و منظور از اصطلاح حافظه معنایی به شبیه‌سازی‌ها، پیش‌بینی‌ها، مقاصد و برنامه‌هایی است که به حالت‌های کلی یا انتزاعی‌تر جهان مربوط می‌شوند که ممکن است در آینده ایجاد شوند (مثلاً فکر کردن در مورد چگونگی افزایش سودآوری شرکت). وی همچنین بیان می‌کند مفهوم خودکنترلی به عنوان یکی از مولفه‌های تفکر آینده‌نگر، از سن ۳ سالگی بروز پیدا کرده و در سنین بالاتر کاملتر و پیچیده‌تر می‌شود.

پیشینه پژوهش

صمدی و فرامرزی (۱۳۹۸) بر اساس شواهد پژوهشی بیان می‌کنند که نقایص فرآیندهای شناختی، ویژگی معمول افراد با اختلال طیف اوتیسم است و به نظر می‌رسد هر نقصی در این توانایی ممکن است بر توانایی‌های دیگر از جمله تفکر آینده‌نگر در این گروه تأثیر بگذارد. آنها طی مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فرآیندهای شناختی و تفکر آینده‌نگر در کودکان با اختلال طیف اوتیسم پرداختند. آنها در این پژوهش با استفاده از ابزارهای سیستم ارزیابی شناختی-ویرایش دوم، تکلیف سفر و پرسشنامه‌ی سنجش دامنه‌ی اوتیسم به بررسی رابطه تفکر آینده‌نگر در ۱۵ دانش‌آموز با اختلال طیف اوتیسم و با عملکرد بالا پرداختند. نتایج آماری نشان داد که ضرایب همبستگی محاسبه شده بین فرآیندهای شناختی با تفکر آینده‌نگر (توجه، برنامه‌ریزی و پردازش متوالی) همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. یافته‌های این پژوهش شواهدی را در مورد مکانیسم‌های شناختی‌ای ارائه می‌دهد که ممکن است با نقایص تفکر آینده‌نگر در اختلال طیف اوتیسم رابطه داشته باشد. بحری (۱۳۹۷) طی مطالعه‌ای به بررسی نقش نظریه ذهن، تفکر رویدادی آینده‌نگر و خالقیت در پیش‌بینی حافظه آینده‌نگر رویداد محور و زمان محور در نوجوانان پرداخت. در این پژوهش که ۱۰۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم شهرستان آذرشهر با میانگین سنی ۱۶/۲ حضور داشتند با ابزارهای تکلیف حافظه آینده‌نگر، آزمون ذهن خوانی از طریق تصاویر چشم، تکلیف شرح حال و آزمون خالقیت تورنس مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان

داد که نظریه ذهن، تفکر رویدادی آینده نگر و خالقیت، حافظه آینده نگر رویداد محور و زمان محور را پیش بینی میکند. در نتیجه می توان گفت هر یک از این متغیر ها به عنوان یک مکانیسم زیر بنایی در بهبود عملکرد حافظه آینده نگر عمل میکنند. خاکپور و مهرآفرید (۱۳۹۱) طی مطالعه ای به بررسی قضاوت اخلاقی کودکان پیش دبستانی پنج و شش ساله با استفاده از چهار داستان اخلاقی (دروغ، خسارت مادی، دزدی و عدالت) پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که کودکان پیش دبستانی (پنج و شش ساله) در آیتم های دروغ، خسارت مادی، و دزدی توجه بیشتری به قصد و نیت (انگیزه درونی) داشتن و در آیتم عدالت، اعتقاد به ناعدالانه بودن (برابری تقسیم کار) داشتند. همچنین میزان توجه به قصد و نیت با افزایش سن افزایش می یابد و میزان توجه به نتیجه و اثر کار با افزایش سن کودک کاهش می یابد. علیوردی نیا و یونسی (۱۳۹۳) در مطالعه ای اقدام به هنجاریابی پرسشنامه خودکنترلی ادراک شده کودکان هافمفری نمودند که پایایی این آزمون را با استفاده از روش همبستگی بازآزمایی به فاصله ۲ تا ۳ هفته برای کل آزمون ۷۱٪ و برای زیرمقیاس های خودکنترلی فردی ۶۳٪، خودکنترلی میان فردی ۶۳٪ و خودسنجی ۵۶٪ گزارش کرده اند. شایان ذکر است مقیاس مذکور سه جنبه خودکنترلی فردی، میان فردی و خودسنجی را اندازه گیری می کند و فرض می شود به علت اینکه یکی از زیرمقیاس های این آزمون تاخیر در رضایت مندی و کنترل هیجان هاست، مقیاس مذکور پیش بینی کننده نسبی تفکر آینده نگر خواهد بود. احمد جویباری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه خودکنترلی و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که خودکنترلی و هر دو مولفه آن (خودکنترلی بازدارنده با منع کننده و خودکنترلی اولیه) رابطه مثبت و معناداری با مسئولیت پذیری دارند. یان یه و همکاران (۲۰۲۱) طی یک مطالعه فراتحلیلی اقدام به بررسی چهل و هفت مطالعه پرداختند و گزارش کردند که تفکر آینده نگر (عمل تصور واضح وقایع است که ممکن است در آینده اتفاق بیفتد) به طور قابل ملاحظه ای، تخفیف تاخیری (به پدیده ای اشاره دارد که در آن ارزش ذهنی پاداش های آینده در طول زمان کاهش می یابد) را کاهش می دهد و این ویژگی در ۳ و ۴ سالگی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر تفکر در مورد آینده و درگیر کردن حافظه آینده نگر می تواند نرخ تاخیر در ارضای نیاز را در ازای کسب پاداش بیشتر در آینده در کودکان افزایش دهد.

بلانکینشپ و کیبی (۲۰۲۲) طی مطالعه‌ای، ظهور برنامه ریزی مبتنی بر حافظه را با پرسیدن اینکه آیا کودکان ۲ ساله می‌توانند از خاطرات رویدادی تجربیات گذشته، برای تولید و اجرای برنامه‌ها استفاده کنند، با استفاده از ۳ تکلیف جدید مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه در آزمایش اول که تعداد ۳۲ کودک دو ساله قرار داشتند، کودکان با موفقیت این تکلیف را انجام دادند و این توانایی به طور قابل توجهی در طول سال سوم زندگی توسعه یافت. علاوه بر این در آزمایش دوم که با تعداد ۱۹ کودک دو ساله انجام شد، کودکان با موفقیت از خاطرات رویدادی برای هدایت برنامه‌ها در زمینه مساله جدید استفاده کردند که نشان دهنده انعطاف پذیری در این توانایی است. این نتایج نشان می‌دهد که نوعی برنامه‌ریزی مبتنی بر حافظه در سال سوم زندگی پدیدار می‌شود و ممکن است پایه‌ای شناختی را برای پیش‌بینی رویدادی در مراحل بعدی تشکیل دهد. کرچمر و همکاران (۲۰۱۹) طی مطالعه‌ای، ۵۶ کودک را در محیط آزمایشگاهی و به صورت تصادفی در دو گروه گواه (گروه تفکر آینده نگر) و گروه کنترل قرار دادند و با استفاده از تکالیف آزمایشگاهی و همچنین با آموزش و القاء فرایند خود فرافکنی در کودکان، به بررسی تفکر آینده نگر در کودکان و نقش آن در عملکرد حافظه آینده نگر در آنها پرداختند. نتایج نشان دادند که اثرات مفید تفکر آینده نگر از تکالیف معمولی آزمایشگاهی به تکالیف پیچیده تر مرتبط با نیازهای زندگی واقعی گسترش می‌یابد و همچنین تفکر آینده نگر یک استراتژی موثر برای بهبود حافظه آینده نگر روزمره کودکان است. علاوه بر این، نتایج نشان داد، آزمایشات خود فرافکنی در کودکان، اثرات تفکر آینده نگر بر حافظه آینده نگر را تعدیل نمی‌کند و به نظر می‌رسد که این اثرات سودمند تفکر آینده نگر، مستقل از توانایی عمومی کودکان برای تغییر رویدادها رخ می‌دهد. از آنجا که قضاوت اخلاقی، خودکنترلی و مهارت‌های تفکر آینده نگر در افراد به ویژه در کودکان در تعلیم و تربیت شناختی، عملکرد و برنامه ریزی، تاثیر گذار است در این پژوهش به بررسی ارتباط سه مولفه فوق پرداخته و به نقش هر یک از مولفه‌های قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در تبیین تفکر آینده نگر توجه شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه مورد پژوهش عبارت است از دانش آموزان دختر و پسر ناحیه ۴ آموزش و پرورش شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در پایه اول ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین مدارس دخترانه و پسرانه ناحیه ۴ آموزش و پرورش اصفهان دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه، به صورت تصادفی انتخاب شد و از بین کلاس‌های پایه اول از هر مدرسه، ۲ کلاس و جمعا ۸ کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید. نمونه این پژوهش با توجه به حجم جامعه ۵۵۰ نفری دانش آموزان پایه اول مدارس فوق و با استفاده فرمول کوکران و جدول برآورد حجم نمونه در طرح‌های همبستگی (مورگان)، تعداد ۲۳۰ نفر دانش آموز، شامل ۱۱۵ دختر و ۱۱۵ پسر پایه اول این ۸ کلاس برآورد گردید. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های تفکر آینده نگر مازووسکی (۲۰۲۰)، خودکنترلی ادراک شده کودکان (CPSC (۲۰۰۰) و پرسشنامه قضاوت اخلاقی کودکان MJT (۱۹۸۸) استفاده شد.

پرسشنامه تفکر آینده نگر کودکان (CFTQ): مبتنی بر اظهار نظر والدین در مورد کودکان است، توسط والدین تکمیل می‌گردد و دارای ۴۴ سوال و پنج خرده‌مقیاس شامل (پس‌انداز، حافظه آینده نگر، دوراندیشی رویدادی، برنامه‌ریزی و تأخیر در ارضای نیاز) است که توانایی‌های شناخت آینده نگر را مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسش‌نامه به صورت یک مقیاس ۶ گزینه لیکرتی از به شدت مخالف (عدد یک) تا به شدت موافق (عدد شش) نمره‌گذاری می‌شود. شایان ذکر است همه خرده‌آزمون‌ها به غیر از خرده‌آزمون حافظه آینده نگر دارای ۹ سوال و حافظه آینده نگر دارای ۸ سوال می‌باشد. کمترین نمره در این قیاس ۴۴ و بیشترین نمره ۲۶۴ خواهد بود. همچنین پایایی و اعتبار این پرسشنامه در جامعه ایرانی توسط دشتی اصفهانی و همکاران (۱۴۰۱) به روش همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۸۹. و به روش بازآزمایی با فاصله سه هفته برابر ۰/۸۴. به دست آمد. و همچنین اعتبار پرسشنامه از طریق همبستگی با آزمون‌ها و تکالیف متناظر در محدوده ۰/۴۳ تا ۰/۷۹. بدست آمد.

پرسشنامه قضاوت اخلاقی (MJT): نخستین بار توسط سینها و وارما در سال ۱۹۷۱ ساخته شد و آخرین تجدید نظر توسط آن‌ها در سال ۱۹۹۸ به عمل آمد. آزمون برای کودکان ۶ تا ۱۱ ساله ساخته شده و بر مبنای الگوی یک آزمون هوش کلی و شامل سوالات استدلال، قوه تشخیص، بهترین پاسخ‌ها و غیره است، با این تفاوت که همه سوالات معنای اخلاقی دارد. آزمون مرکب از ۵۰ سوال است که برای هر سوال فقط یک جواب صحیح وجود دارد. برای هر سوال درست، یک نمره و برای جواب غلط، صفر داده می‌شود. بنابراین حداکثر نمره ۵۰ و حداقل نمره صفر است. کل نمره شاخص قضاوت اخلاقی آزمودنی خواهد بود. سینها و وارما (۱۹۷۱) اعتبار نیمه آزمون را با استفاده از فرمول اسپیرمن ۰/۹۳، گزارش کردند. سیروسی، دوکانه ای فرد و حسنی (۱۳۹۰) پایایی از طریق بازآزمایی این آزمون را ۰/۸۴، به دست آوردند (سیروسی و همکاران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه خودکنترلی ادراک شده کودکان هامفری

این مقیاس در سال ۲۰۰۰ توسط هامفری به جهت اندازه‌گیری خودکنترلی از دیدگاه رفتاری شناختی اراده شد این ابزار ۱۱ گزینه دارد و سه جنبه خودکنترلی فردی، میان فردی و خودسنجی را اندازه‌گیری می‌کند. به هر گزینه بر حسب اینکه آیا محتوای گزینه، کودک را به درستی توصیف می‌کند یا نه به صورت معمولاً بله=۱ و معمولاً نه=۰ پاسخ داده می‌شود. سوال‌های ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲ به طور معکوس نمره دهی می‌شوند. نمره کل آزمون دامنه ای بین ۰ تا ۱۱ دارد و بالاترین نمره نشان دهنده خودکنترلی بیشتر است. زیر مقیاس خودکنترلی فردی با سوال‌های ۱ تا ۴، ریزمقیاس خودکنترلی میان فردی با سوالات ۵ تا ۷ و زیرمقیاس خودسنجی با سوال‌های ۸ تا ۱۱ اندازه‌گیری می‌شود. پایایی این آزمون با استفاده از روش همبستگی بازآزمایی به فاصله ۲ تا ۳ هفته برای کل آزمون ۰/۷۱، و برای زیرمقیاس‌های خودکنترلی فردی ۰/۶۳، خودکنترلی میان فردی ۰/۶۳، و خودسنجی ۰/۵۶، گزارش شده است (علیوردی نیا و یونسی، ۱۳۹۳).

پس از اخذ اجازه از آموزش و پرورش و انجام هماهنگی‌های لازم، نمونه مورد نظر با احتساب امکان ریزش ۲۰ درصد، انتخاب گردید. سپس دانش آموزان در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها توجیه شدند و پس از آن، آزمون‌های مربوطه به شکل گروهی در سر کلاس اجرا

بررسی رابطه بین تفکر آینده نگر با توانایی های قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در کودکان دوره اول مدارس ابتدایی

گردید همچنین پرسشنامه تفکر آینده نگر توسط والدین کودکان در بستر پیام رسان های مجازی تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون بین متغیرها، رگرسیون چند متغیره و آزمون T مستقل استفاده شد.

فرضیه های پژوهش

- ۱- بین تفکر آینده نگر و قضاوت اخلاقی و خودکنترلی ارتباط معنادار وجود دارد.
- ۲- مهارت های قضاوت اخلاقی و خودکنترلی، پیش بینی کننده تفکر آینده نگر می باشند.
- ۳- تفاوت معناداری بین جنس مونث و مذکر در پاسخ به پرسشنامه ها وجود دارد.

یافته های پژوهش

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین قضاوت اخلاقی و خودکنترلی با تفکر آینده نگر

تفکر آینده نگر	تاخیر در ارضا نیاز	دوراندیشی رویدادی	حافظه آینده نگر	پس انداز	برنامه ریزی	خود کنترلی	قضاوت اخلاقی	
							۱	قضاوت اخلاقی
						۱	*/۵۱	خودکنترلی
					۱	./۲۸	./۰۲	برنامه ریزی
				۱	*/۵۳	./۱۲	./۰۸	پس انداز
			۱	*/۵۸	*/۷۲	**./۴۲	**./۳۹	حافظه آینده نگر
		۱	*/۶۳	*/۷۱	*/۶۴	./۱۴	**./۳۱	دوراندیشی رویدادی
	۱	*/۵۹	*/۶۷	*/۴۹	./۳۱	*/۵۸	**./۳۲	تاخیر در ارضا نیاز
۱	*/۵۷	*/۵۸	*/۶۳	./۴۹	*/۵۷	*/۶۳	*/۵۵	تفکر آینده نگر

$P < .05^{***}$ $P < .01^{**}$ $N = 230$

همانگونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود مولفه قضاوت اخلاقی با پرسشنامه تفکر آینده نگر در سطح معناداری $P < .01$ با ضریب همبستگی $.55$ دارای ارتباط معنادار و مثبت می باشد همچنین پرسشنامه خود کنترلی نیز در سطح معناداری $P < .01$ با ضریب همبستگی $.63$ دارای ارتباط معنادار و مثبت با تفکر آینده نگر می باشد. لذا سوال اول پژوهش مبنی بر ارتباط قضاوت اخلاقی و خود کنترلی با تفکر آینده نگر تأیید می گردد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی و رگرسیون قضاوت اخلاقی و خود کنترلی با تفکر آینده نگر

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	تعداد	ضریب همبستگی r	ضریب تبیین R^2	میزان خطا	سطح معناداری
تفکر آینده نگر	قضاوت اخلاقی	۲۳۰	$.55$	$.17$	$.05$	$.004$
	خودکنترلی	۲۳۰	$.63$	$.21$	$.05$	$.017$

با توجه به داده های جدول ۲، رابطه قضاوت اخلاقی و خود کنترلی با تفکر آینده نگر به ترتیب با ضرایب همبستگی $.55$ و $.63$ مورد تأیید قرار گرفت به گونه که قضاوت اخلاقی با ضریب تبیین $R^2 = 0.17$ حاکی از آن است که این مولفه (قضاوت اخلاقی) ۱۷ درصد تغییرات تفکر آینده نگر و همچنین خود کنترلی با ضریب تبیین $R^2 = 0.21$ برابر با ۲۱ درصد تغییرات تفکر آینده نگر را تبیین می کند و به عبارت دیگر تفکر آینده نگر تحت تاثیر مولفه های خود کنترلی و قضاوت اخلاقی است.

جدول ۴. نتایج آزمون T دانش آموزان دختر و پسر در متغیرهای قضاوت اخلاقی، تفکر آینده نگر و خود کنترلی

شاخص های آماری متغیرها	دختر		پسر		مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
قضاوت اخلاقی	۳۸/۳	۱۳/۲	۳۵/۸	۱۳/۴	$.24$	۲۲۸	$.81$
تفکر آینده نگر	۲۱۹/۹	۳۵/۵	۲۱۷/۳	۳۵/۶	$-.80$	۲۲۸	$.42$
خودکنترلی	۷/۳	۳/۱	۴/۸	۲/۸	-2.70	۲۲۸	$.007$

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می شود بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر میزان قضاوت اخلاقی و تفکر آینده نگر تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین جنس دختر و پسر از نظر میزان خودکنترلی تفاوت معنادار وجود دارد، بدین صورت که خودکنترلی دانش آموزان دختر بالاتر از پسران است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر نشان می دهد که توانایی قضاوت اخلاقی به عنوان یکی از مولفه های شناختی در کودکان، ارتباط معنادار و مثبتی با تفکر آینده نگر و مولفه های آن یعنی قصد و نیت (انگیزه درونی) دارد. این یافته با نتایج به دست آمده از مطالعه خاکپور و مهرآفرید (۱۳۹۱) همخوانی داشت. نتایج تحقیقات خاکپور و مهرآفرید (۱۳۹۱) نشان داد که توانایی قضاوت اخلاقی کودکان ۵ و ۶ ساله عمدتاً مبتنی بر قصد و نیت است و با افزایش سن، توجه به قصد و نیت در قضاوت اخلاقی بیشتر می شود. همچنین نتایج این پژوهش با یافته فلین (۱۹۸۴) نیز شباهت داشت که نشان داد اغلب کودکان ۶ ساله به انگیزه درونی (نیت) توجه می کنند و کمتر به میزان دروغ یا میزان دزدی در آزمون توجه دارند و با افزایش سن این نوع قضاوت رشد می باید. همچنین یافته دیگر این پژوهش عدم تفاوت معنادار بین دو جنس دختر و پسر در میزان قضاوت اخلاقی در ارتباط با تفکر آینده نگر بود که با یافته پیازه (۱۹۳۲) سازگار بود. پیازه ادعا می کرد که قضاوت اخلاقی در سن شش یا هفت سالگی پس از یک سال حضور در جامعه مدرسه ساخته می شود. از آنجا که کودکان این مطالعه سابقه گذراندن کلاس های پیش دبستانی را نیز داشته اند ممکن است فرآیند جامعه پذیری آنان تسریع یافته و منجر به ظهور زود هنگام و رشد یافته تر قضاوت اخلاقی در آنها شده باشد. از یافته های دیگر این پژوهش ارتباط معنادار و مثبت توانایی خودکنترلی به عنوان یکی دیگر از مولفه های شناختی کودکان با تفکر آینده نگر بود. که با یافته های پژوهش یان یه و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی داشت. یافته های پژوهش یان یه و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که تفکر آینده نگر به طور قابل ملاحظه ای تخفیف تاخیری در کودکان را کاهش داده و منجر به افزایش خودکنترلی می شود و این توانایی در سن ۳ و ۴ سالگی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر تفکر آینده نگر و آینده اندیشی، نرخ تاخیر در ارضای نیاز

فوری را در ازای کسب پاداش بیشتر در آینده افزایش می دهد و اینگونه باعث افزایش مهارت خودکنترلی کودک می شود. همچنین یافته های دیگر پژوهش در خصوص وجود یا عدم وجود تفاوت بین دو جنس دختر و پسر مولفه خودکنترلی حاکی از آن بود که توانایی خودکنترلی در کودکان دختر بیشتر از کودکان پسر می باشد که با نتایج بدست آمده از پژوهش یان یه و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد.

از نتایج و یافته های دیگر پژوهش که از طریق آزمون رگرسیون چند متغیره بدست آمد، احصاء درصد تغییرات توانایی تفکر آینده نگر به عنوان متغیر ملاک توسط دو متغیر پیش بین قضاوت اخلاقی و خودکنترلی بود که نتایج به دست آمده نشان داد که توانایی قضاوت اخلاقی ۱۷ درصد تغییرات تفکر آینده نگر و خودکنترلی ۲۱ درصد تغییرات تفکر آینده نگر را تبیین و پیش بینی می کند و هر دو مولفه (هر دو متغیر پیش بین) مجموعاً ۳۸ درصد از تغییرات تفکر آینده نگر تبیین می کند. این یافته نیز با نتایج به دست آمده از تحقیقات اسپونار و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. وی بیان می کند که مفهوم خودکنترلی و قضاوت اخلاقی به عنوان مولفه های تفکر آینده نگر از سن ۳ سالگی بروز پیدا کرده و در سنین بالاتر پیچیده تر می شود.

همچنین ارتباط بین مهارت خودکنترلی و قضاوت اخلاقی با ضریب ۰/۵۱. در سطح معناداری ۰/۰۵. نیز معنادار بود که نتایج این پژوهش با پژوهش حسینی آلمان آباد و سرداری (۱۴۰۱) مبنی بر رابطه مثبت قضاوت اخلاقی و خودکنترلی در دانش آموزان و همچنین با پژوهش دریایی و خلوصی مشفق (۱۳۹۸) با عنوان اثر فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان (آزمون نظریه فرسایش قدرت خودکنترلی) و پژوهش حجت پناه و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان رابطه رشد خودکنترلی و قضاوت اخلاقی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم همخوانی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین تفکر آینده نگر و توانایی های قضاوت اخلاقی و خودکنترلی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر پیش بینی پذیری تفکر آینده نگر توسط دو متغیر مهارت خودکنترلی و قضاوت اخلاقی نیز مورد تأیید قرار گرفت. اما در فرضیه سوم مبنی بر وجود تفاوت معنی دار بین دو جنس دختر و پسر، فقط در مهارت خودکنترلی بین دو جنس دختر و پسر تفاوت معنادار وجود داشت و توانایی قضاوت اخلاقی هیچگونه تفاوت معناداری به لحاظ جنسیت مشاهده نشد.

در جمع بندی می توان گفت با توجه به شکل گیری اولیه تفکر آینده نگر در ۳ سالگی و همچنین تاثیر پذیری آن از مهارت های خودکنترلی و قضاوت اخلاقی و رشد آن در ۴ و ۵ سالگی و با توجه به متاثر بودن مهارت های حل مسئله، دوراندیشی، تصمیم گیری و برنامه ریزی از تفکر آینده نگر و مولفه های وابسته به آن و همچنین اهمیت تعلیم و تربیت مهارت های فوق به ویژه خودکنترلی و قضاوت اخلاقی، توجه به آسیب شناسی و رشد بهنجار این توانایی در بزرگسالی و اهتمام ویژه به شناخت آینده نگر و مولفه های آن از مباحث ضروری و مهم حوزه تعلیم و تربیت می باشد.

محدودیت ها

از جمله محدودیت های این پژوهش در دسترس نبودن پدران کودکان بود لذا به اجبار، مادران کودکان، پرسشنامه تفکر آینده نگر را در مورد کودکان خود تکمیل کردند و گزارشی از والد دیگر (پدر) احصا نشده است. همچنین پژوهش حاضر برای کودکان پایه اول ابتدایی انجام شده و قابل تعمیم به سایر گروه های سنی نمی باشد. از آن جا که به منظور جمع آوری داده ها، از پرسش نامه هایی استفاده شده است که جنبه خودگزارشی دارد بنابراین احتمال دارد معایب مرتبط با این ابزار از جمله عدم دقت کافی و سوگیری در پاسخگویی به سؤالات رخ داده باشد. شایان ذکر است آزمون تفکر آینده نگر تغییرات مربوط به سن را در شناخت آینده محور کودکان تشخیص می دهد اما به نظر نمی رسد که در تشخیص تفاوت های فردی در این توانایی، قوی عمل کند. با این وجود به نظر می رسد آزمون تفکر آینده نگر مقیاس ارزشمندی برای بررسی تحول رشد در توانایی های آینده نگر کودکان نسبت به تفاوت های فردی باشد.

پشهادها

یکی از مفاهیمی که در مجموعه نظام آموزشی برای برنامه ریزی و جهت دهی به تربیت اجتماعی و فرهنگی کودکان حائز اهمیت است پرداختن به موضوع تفکر و به ویژه مفهوم نوظهور تفکر آینده نگر و دوراندیشی رویدادی است. در کودکان، توانایی پیش بینی موقعیت ها و نیازهای آینده که به عنوان شناخت (یا تفکر) آینده نگر شناخته می شود، مهارت مهمی است که کودکان

برای عملکرد و برنامه ریزی موفق روزانه، بایستی در آن رشد کنند. تفکر آینده نگر نقش حیاتی برای فعالیت های شناختی پیچیده همچون؛ برنامه ریزی برای رسیدن به اهداف، حافظه آینده نگر، تصمیم گیری، تنظیم هیجانات، خودکنترلی و به تعویق انداختن ارضای نیاز ایفا می کند. بنابراین سنجش دقیق و معتبر تفکر آینده نگر در دوران کودکی، در تعیین رشد اولیه این مهارت حیاتی، پیش بینی نتایج بلند مدت بزرگسالی و مداخله بالقوه با کودکانی که توانایی های شناختی آینده نگر ضعیف یا تاخیری دارند مهم است. شناسایی و تقویت مجموعه عواملی که ارتباط معناداری با تفکر آینده نگر دارند و یا توان پیش بینی تغییرات این مفهوم را دارند حائز اهمیت است. لذا پیشنهاد می شود معلمان، مشاوران و روانشناسان تربیتی در مدارس و مربیان مهدهای کودک با تفکر آینده نگر کودکان و ابزارهای سنجش آن آشنا شده و از این ابزارها جهت سنجش تفکر آینده نگر استفاده نمایند. همچنین پیشنهاد می شود، در پژوهش های آتی تأثیر متغیر های مداخله گر نظیر وضعیت اقتصادی والدین، تک والد یا دو والد بودن کودک، سطح تحصیلات والدین بررسی و کنترل شود و جهت افزایش تعمیم پذیری نتایج، مطالعات دیگری در جامعه ها و فرهنگ های متفاوت صورت پذیرد. محققان می توانند در تحقیقات آینده به بررسی تفاوت در شناخت آینده نگر در جمعیت های با رشد متفاوت و غیر معمول مثلاً کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم که در تفکر آینده نگر نقص دارند از طریق مقیاس تفکر آینده نگر پردازند. با توجه به اینکه مقیاس تفکر آینده نگر در حال حاضر تنها پرسشنامه مدادی-کاغذی موجود برای سنجش توانایی تفکر آینده نگر کودکان می باشد می تواند توسط والدین، معلمان و پژوهشگران مورد استفاده قرار گیرد تا بر اساس نقاط قوت و ضعف جامعه ایرانی به تولید محتوای آموزشی و پرورش تفکر آینده نگر در کودکان و نوجوانان پرداخته شود.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با احراز کد اخلاق به شماره IR.IAU.SRB.REC.۱۴۰۰.۱۳۷ و برگرفته از رساله دکترای آقای روح اله دشتی اصفهانی در رشته روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات با کد پایان نامه ۱۶۲۳۸۲۰۱۶۲۳۸۲۰۱۶۲۳۸۲۰۱۶ که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ تصویب گردیده اجماع شده است.

References

- احمدی جویباری، مریم (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی. فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، ۱ (۲) ۶۳-۷۰.
- بحری، مانده و بحری، مریم؛ (۱۳۹۷). نقش نظریه ذهن، تفکر رویدادی آینده نگر و خالقیت در پیشبینی حافظه آینده نگر رویداد محور و زمان محور نوجوانان. روانشناسی و روان پزشکی شناخت، ۵ (۱) ۱-۱۲.
- حجت پناه، حسین؛ امانی، زهرا و طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۷). رابطه رشد خودکنترلی و قضاوت اخلاقی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم. فصلنامه پژوهش های تربیتی، ۵ (۳۷) ۷۴-۹۱.
- حسینی آلمان آباد، یاسین و سرداری، باقر (۱۴۰۱). رابطه بین قضاوت اخلاقی و بی صداقتی تحصیلی با نقش میانجی خودکنترلی در دانش آموزان. فصلنامه مطالعات آموزش و یادگیری، ۱۴ (۱) ۱۸۵-۲۰۳.
- حسینی، زهرا؛ حاتمی، جواد و نصرتی، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی تحولی توانایی حل مساله در دانش آموزان ابتدایی با استفاده از برج هانوی. مجله روانشناسی مدرسه، ۸ (۳) ۵۴-۷۰.
- خاکپور، مسعود و مهرآفرید، معصومه (۱۳۹۱). قضاوت اخلاقی کودکان پیش دبستانی پنج و شش ساله. مجله تفکر و کوك ۳ (۱) ۱-۱۴
- دشتی اصفهانی، روح اله؛ سعادت شامیر، ابوطالب؛ کاشانی وحید، لیلا و نصرالهی، بیتا (۱۴۰۱) بررسی معادلات ساختاری مقیاس تفکر آینده نگر کودکان در خانواده های نظامی. فصلنامه روانشناسی نظامی، ۱۴ (۱) ۲۳۶-۲۱۳.
- دریایی، عباسعلی و خلوصی مشفق، لیلا (۱۳۹۸). بررسی اثر فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان (آزمون نظریه فرسایش قدرت خودکنترلی). فصلنامه حسابداری سلامت، ۸ (۲) ۳۸-۲۰.
- دوران، بهناز و فتحی آشیانی، علی (۱۳۹۷). مقایسه نظامنامه اخلاق حرفه ای روانشناسان در کشورهای ایران، آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا. مجله روانشناسی، ۲۲(۴) ۳۹۶-۴۱۲.
- سیروسی، مهسا؛ دوکانه ای فرد، فریده و حسینی، فریبا (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران فصلنامه تحقیقات روانشناختی، ۳ (۱۱) ۲۱-۱.
- صمدی، مریم؛ فرامرزی، سالار؛ (۱۳۹۸). رابطه بین فرایندهای شناختی پاس و تفکر آینده نگر در کودکان با اختلال طیف اوتیسم. تازه های علوم شناختی، ۲۱ (۴) ۷۴-۸۳.
- علیوردی نیا، اکبر. و یونسی، عرفان (۱۳۹۳) تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم. مجله علمی ترویجی راهبردی فرهنگ، ۷(۲۶) ۹۳-۱۱۸.
- ماسن، پاول هنری، جروم کیگان، آلتا کارول هوستون، و جان جین وی کانجر (۱۹۹۳). رشد و شخصیت کودک، ترجمه یاسایی، مهشید (۱۳۸۰)، تهران: نشر مرکز.

- هاینز، اندی و بیشاب، پیتر (۲۰۱۶) تفکر در مورد آینده. (ترجمه ذولفقارزاده، محمد مهدی؛ سعد آبادی، علی اصغر؛ فیروزپور، آرمین؛ دارابی، مسعود، ۱۳۹۵). تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- Addis D. R, Wong A. T, Schacter D.L.(2008).Age-related changes in the episodic simulation of future events. *Psychological Science* 19(1):33-41.
- Argembeau A, Ortoleva C, Jumentier S, Van der Linden M,(2010).Component processes underlying future thinking. *Memory and Cognition*. 38(6): 809–819
- Atance C.M., O’Neill, D.K.(2001) Episodic future thinking. *Trends Cogn. Sci.* 2001; 5(12):533-539.
- Atance, C. M., & Jackson, L. K. (2009). The development and coherence of future-oriented behaviors during the preschool years. *Journal of behaviors*: 102(4):379-391
- Atance, C. M., & Meltzoff, A. N. (2005). My future self: Young children’s ability to anticipate and explain future states. *Cognitive Development*, 20(3), 341–361
- Blankenship Tashauna. L, Kibbebc Melissa. M, (2022). Two-year-olds use past memories to accomplish novel goals: *ournal of Experimental Child Psychology* 214, 105286
- Grant J. B, Suddendorf T, (2011).Production of temporal terms by 3-, 4-, and 5-year-old children. *Early Childhood Research Quarterly*: 26(1), 87–95 .
- Kretschmer A.Trendowicz, Schnitzspahn K. M, Euter L.R & Altgassen M, (2019). Episodic future thinking improves children’s prospective memory performance in a complex task setting with real life task demands. *Psychological Research*; 83(3):514-525.
- Rubin. DC, S Umanath, (2014). Event memory: A theory of memory for laboratory, autobiographical, and fictional events. *Psychol Rev*, in press: 122(1), 1–23 .
- Santrock, J.W. (2014). *Adolescence*, fifteenth edition. Published by McGraw-Hill Education 2 Penn Plaza, New York, NY 10121 .
- Schacter. DL., (2012). The future of memory: Remembering, imagining, and the brain. *Neuron*: 76(4):677-94.
- Sinha D, Verma M. *Moral Judgment Test*. National Psychological Corporation, Agra, Uttar Pradsesh, India. 1971.
- Suddendorf T, Corballis M. C., (2007).The evolution of foresight: What is mental time travel and is it unique to humans? *Behavioral and Brain Sciences*;03(30): 299–313.[link]
- Suddendorf, T., Nielsen, M., & von Gehlen, R. (2011). Children’s capacity to remember a novel problem and to secure its future solution. *Developmental Science*: 14(1):26-33.
- Szpunar Karl. K, Nathan Spreng. R, and Daniel L, SchacterAuthors Info & Affiliations. (2014). A taxonomy of propection: Introducing an organizational framework for future-oriented cognition; 111(52):18414-21.
- yan Ye-Jun, Qing-yu Ding, Ji-fang Cui, Zhe Liu, Lu-xia Jia, Xiao-jing Qin, Hua Xu, and Ya Wang: (2021). A meta-analysis of the effects of episodic future thinking on delay discounting *Quarterly Journal of Experimental Psychology*: 75(10):1876-1891 .